

دریای خزر^(۱)

در نقشه‌های دیرین

علیرضا بیگلری

تقویت عرصه «خزرشناسی» که نیاز روز افزون سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد مساعدت نمایند.

امروزه نقشه و نقشه‌کشی جایگاه بسیار مهمی را در روند مذاکرات کشورهای ساحلی دریای خزر کسب می‌نماید. در اکثر مذاکرات نقشه‌هایی که هر یک در بردارنده تفکر کشوری نسبت به نحوه بهره‌برداری از این پهنه آبی مشترک می‌باشد بر روی میز مذاکره قرار می‌گیرد. کشورها نحوه نگرش خود را نسبت به آینده بزرگترین پهنه آبی بسته جهان با ترسیم و پاک کردن خطوطی بر روی نقشه‌ها به نمایش می‌گذارند. چه بسا برخی از این نقشه‌ها اعتراضات طرفهای دیگر را در برداشته و خود

با گسترش روز افزون اهمیت دریای خزر در روابط بین‌الملل ضرورت مطالعه ابعاد گوناگون این دریا از جمله از نقطه نظر جغرافیای تاریخی اهمیت بسزایی کسب نموده است. همه ساله دهها کتاب در مورد دریای خزر نوشته و ترجمه می‌گردد که در اکثر آنها بخشی به مطالعه تاریخچه این دریا اختصاص می‌یابد. از جمله منابع مهمی که جهت شناخت برخی از ابعاد بزرگترین دریاچه کره زمین می‌تواند مورد استفاده و استناد قرار گیرد نقشه‌ها و کتب جغرافیای قدیمی می‌باشد. این مقاله در نظر دارد از منظر نقشه‌های تاریخی مطالعات جغرافیایی پیرامون دریای خزر را مورد توجه قرار دهد. محققین علوم جغرافیا، نقشه‌کشها و مورخین می‌توانند به سهم خود در

به موضوع مذاکره و مشاجره مبدل شده است. توجه نموده اند. به هر حال نقشه های مورد استفاده نقشه هایی است که از سالهای دهه ۱۹۷۰ با استفاده از فن آوری سنجش از راه دور و با بهره گیری از ماهواره ها در اوج دقت رسم می شوند. اما به راستی دریای خزر از دیر باز در «نقشه» های جهان چگونه ثبت شده است؟

تاریخچه مختصر نقشه های جغرافیایی

قدیمترین علائم شبیه نقشه که تا به امروز شناسایی شده است نقشی است بر روی تخته سنگی در چاتال هویوک منطقه ای باستانی در آناتولی به طول ۲۷۵ سانتیمتر که تاریخ تقریبی رسم آن به ۶۱۰۰ تا ۶۳۰۰ قبل از میلاد برمی گردد.

این نقاشی که به وضوح طرح شهری را با ۸۰ خانه و آتشفشانی در پشت آنها نشان می دهد در سال ۱۹۶۳ کشف شده است.^(۲) نشانه هایی از این دست تصاویر را مصریها بر پایروس و سومریها و بابلیها بر الواح گلی^(۳) نیز رسم کرده اند. در مورد رسم نقشه های جغرافیایی اولیه از جهان استرابو^(۴) در کتابی که در فاصله ۱۰-۲۰ قبل از میلاد نوشته ادعا می نماید که اولین نقشه جهان را آناکسیماندر^(۵) (۶۱۱-۵۴۰ ق.م) در نخستین سالهای قرن ششم قبل از میلاد رسم نموده است. در خلال قرنهای متمادی دانشمندان به منظور پاسخ به سوالات علمی در مورد محاسبه اندازه زمین، شمار ساکنان آن، تقسیمات آب و هوایی، اوضاع سرزمینهای مختلف، مسائل ریاضی و ستاره شناسی به زمین و جغرافیا

توجه نموده اند. در نقشه هایی که در ادوار گوناگون تاریخ رسم شده دریای خزر به عنوان پهنه آبی بزرگ، نشانه مهمی در نقشه کشی مورد توجه بوده است. از آنجا که دربند به عنوان شهر مرزی در غرب دریای خزر بحساب می رفته لذا در نقشه های تاریخی سفرهایی که از این نقطه به سمت جنوب دریای خزر و در امتداد سواحل تا ملتقای رودهای پر آب مشرق دریای خزر انجام می گرفته در شکل گیری تصور دانشمندان از نقشه دریای خزر مؤثر بوده و به نظر می رسد شکل نواحی شمالی آن را به تبعیت از نواحی آباد جنوبی آن رسم می نموده اند.

خزر در نقشه های دانشمندان یونانی

یکی از قدیمی ترین اسناد موجود که از آنها می توان در مورد دریای خزر اطلاعاتی به دست آورد نقشه ها و کتب جغرافیایی قدیمی است. دریای خزر به لحاظ موقعیت جغرافیایی اش در شمال فلات ایران همواره در معرض توجه جهانگشایان، جغرافیدانان، ستاره شناسان و جهانگردان بوده است.

وضعیت دریای خزر سالها پیش از میلاد مسیح مورد توجه و موضوع بحث جغرافیدانان بوده است. عده ای از همان زمان به درستی معتقد بوده اند که دریای خزر به اصطلاح امروزی دریاچه است و اگر در ساحل آن سیر شود بدون مانعی می توان به نقطه حرکت بازگشت. یکصد سال پیش از هروودت دو جهانگرد یونانی و مصری

در سفرنامه‌های خود به دریای هیرگانیوم یا کاسپی اشاره نموده‌اند. هرودت در جریان سفرش به اولییا^(۶) اطلاعاتی بدست آورد که براساس آن برای نخستین بار ادعا کرد که دریای هیرگانیا دریایی بسته است.

ارسطو در ۳۴۸ ق.م. و اریستاپلوس جغرافیدان عصر اسکندر مقدونی نیز بر شناخت یونانیها از دریای هیرگانیا صحنه گذارده و به رواج دریانوردی محلی در آن دوره اشاره کرده‌اند. هکاتوس^(۷) یونانی (۴۸۰-۵۵۰ ق.م.) در ۵۰۰ قبل از میلاد و آراتوستن در ۲۲۰ قبل از میلاد نقشه‌هایی از جهان را رسم کرده بوده‌اند.^(۸) اینان پیشروان مکتب جغرافیایی بوده‌اند که زمین را به صورت سطح مسطح گرد با خشکیهایی در وسط و رودها و دریاهایی در پیرامون تصور و ترسیم می‌کرده‌اند. در نقشه‌های منسوب به پیروان این مکتب دریای خزر اگرچه شکل دایره‌ای دارد اما از قسمت شمال با آبراه بزرگی به حلقه‌آبهایی که زمین را احاطه می‌کرده متصل تصور شده است. (نگاه کنید به ضمیمه شماره یک) به نظرمی رسد این مکتب با جهانگشاییهای اسکندر مقدونی و پیشروی یونانیها تا سواحل دریای خزر در قرن سوم قبل از میلاد از اعتبار بیشتری برخوردار شده است. «اسکندر قصد داشت برای تحقیق پیرامون دریای خزر هیأتی را گسیل نماید ولی این امر در حیات وی محقق نشد و چهل سال بعد از مرگ او صورت پذیرفت. هیأتی ک به ریاست پاتروکلوس مامور بررسی دریای خزر شد به استنتاجی دست یافت

مبنی بر اینکه دریای خزر دریای بسته نیست، بلکه خلیجی از اقیانوس شمالی است. در ضمن یونانیان محل این اقیانوس را جنوبی‌تر از محل واقعی آن می‌دانستند».^(۹)

کلودیوس بطلمیوس^(۱۰) که او را پدر علم جغرافیا می‌نامند با تلفیق نظریه‌های پیشینیان خود به ویژه با استفاده از اثر ماریوس^(۱۱) کتاب خود به نام «جغرافیا» را در ۸ جلد نوشت که احتمال داده شده که یک نقشه جهان و ۲۶ نقشه منطقه‌ای در آن کتاب رسم شده بوده است. نکته قابل توجه اینکه از نقشه‌های تاریخی منسوب به دانشمندان یونانی هیچ نقشه‌ای قبل از قرن ۱۲ م. بر جای نمانده است و نقشه‌هایی که در کتب این دانشمندان رسم شده همه مربوط به سالهای پس از قرن ۱۲ م. است و معلوم نیست که کار نویسنده بوده یا کار نقشه‌کشهایی که بعداً براساس متن کتاب آنرا رسم کرده‌اند.^(۱۲) در نقشه بطلمیوس که تا قرن ۱۷ میلادی نقشه‌کشی دریای خزر را تحت تأثیر خود قرار داده است دریای کاسپی دریای بسته‌ای است که از چهار طرف آن را خشکی دربر گرفته است و به شکل بیضی ترسیم شده است. (نگاه کنید به ضمیمه شماره دو)

از تماسهای رومیها و هیرکانیها در سده نخست میلادی انگیزه رومیها برای گذر به سوی کرانه‌های دریای خزر نمایان شده است. در سال ۱۹۴۸ م در ساحل غربی دریای خزر در منطقه موسوم به «قبوستان» در ۶۰ کیلومتری جنوب باکو کتیبه‌ای رومی پیرامون فعالیت لژیون

دوازدهم از سپاه امپراطور دومیتیانوس در دامنه تپه سنگی مشرف به دریای خزر کشف شد که اکنون آن محل به صورت موزه تاریخ حفاظت می‌شود. با سقوط امپراطوری روم دانش تمدنهای اولیه که تا حدودی متمرکز شده بود پراکنده، ناپدید و یا نابود گردید. پس از این دوره دوران معروف به نقشه‌های T-O آغاز می‌شود که سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا مانند حرف T در وسط و دریاها مانند حرف O پیرامون بوده‌اند. شکل نقشه دریای خزر در این نقشه‌ها همانند نقشه‌هایی است که زمین را دایره مسطح در احاطه آب فرض می‌کرد. در این نقشه‌ها خزر دایره‌ای است که از یک طرف به آبهای پیرامونی زمین متصل است. از قرن ۷ تا قرن ۱۴ توسعه‌ای در نقشه‌کشی اروپا مشاهده نمی‌شود و در این دوره تفکر اسلامی در عرصه جغرافیا منشاء تحول بوده است.

دریای خزر در نقشه‌های جغرافیدانان مسلمان^(۱۳)

آشنایی جهان اسلام با آثار نجومی و جغرافیایی یونانیان، هندیها و ایرانیان به پیدایش نخستین «نقشه‌های جهان» به زبان عربی در اوایل قرن سوم ق. منجر شد. ظاهراً نخستین «نقشه جهان» در دوره اسلامی در عهد مامون خلیفه عباسی (۱۹۸-۲۱۸ ق.) تهیه شده است. سپس خورازمی (متوفی بعد از ۲۳۲ ق.)، ثابت بن ثمره (متوفی ۳۹۶ ق.)، ابوالحسن بن یونسی (متوفی ۳۹۹ ق.)، ابو زید احمد بن سهل بلخی (متوفی ۳۲۲ ق.)،

اصطخری (متوفی حدود ۳۴۰ ق.)، ابن حوقل (حدود ۳۶۷ ق.)، مقدسی (حدود ۳۷۵ ق.)، جیهانی (حدود ۳۱۰ ق.)، مؤلف ناشناس حدودالعالم (تألیف ۳۷۲ ق.)، ابوریحان بیرونی (۴۲۰ ق.)، محمود کاشغری (قرن پنجم ق.)، شریف‌ادریسی (متوفی ۵۶۰ ق.)، مؤلف ناشناس حدودالعالم (قرن ششم ق.)، احمد طوسی (حدود ۵۷۶ ق.)، زکریا قزوینی (متوفی ۶۸۲ ق.)، سراج‌الدین ابوحفص عمر معروف به ابن‌الوردی (متوفی به ۸۶۱ یا ۸۵۰ ق.)، دمشقی (متوفی ۷۲۷ ق.)، حمدالله مستوفی (۷۵۰ ق.)، حافظ ابرو (متوفی ۸۳۳ ق.)، حاج احمد تونسلی (۹۶۷ ق.)، محمد بن علی الشرفی (۱۰۰۹ ق.)، پیری رئیس (۹۱۹ ق.)، نقشه‌هایی را از جهان به استناد نقشه‌های موجود و اطلاعاتی حاصل از سفرهای خود و یا گزارش دیگران، رسم نموده‌اند. در نوشته‌های جغرافیدانان مسلمان به ویژه ایرانیان معمولاً در مورد نامها، سرزمینهای پیرامونی، جزایر، بعضاً طول و عرض، ثروتها، جانوران، رودها و خلیجهای دریای خزر مطالبی عنوان شده است. برای نمونه مسعودی که ادعا کرده خود دریای خزر را پیموده است^(۱۴) در مورد این دریا می‌نویسد «دریای تبرستان، جرجان، و آبسکون دریای پهناور و بزرگی است که به هیچ دریایی راه ندارد. باب‌الابواب در کرانه این دریا واقع است و در شرق آن کوههای مرقان، تبرستان و جرجان واقع شده در غرب آن آلان و کوه‌های قبق قرار گرفته و از طرف جنوب به جیل و قسمتی از دیلم محدود می‌شود.»

بازگشت مجدد اروپاییها به جغرافی و نقشه

اروپاییها از اوایل سال ۱۴۰۰ م با اتکا به مندرجات کتاب جغرافیای بطلمیوس مجدداً به جغرافی روی آوردند. اختراع دستگاه چاپ توسط گوتنبرگ در سال ۱۴۵۰ م تولید کتابهای چاپی در شمارگان زیاد را امکانپذیر نمود. به علاوه فتح قسطنطنیه در سال ۱۴۵۳ م و بسته شدن راههای تجاری اروپا به شرق و وقفه در تجارت سنگهای گرانبها و ادویه، زمینه ساز تحول در عرصه دریانوردی، جهانگردی، جغرافیا، نقشه برداری و نقشه کشی در اروپا شد. مسافرتها دریانوردان پرتغالی و اسپانیایی به سواحل جنوب آفریقا و سپس هندوستان از جمله سفر کلمبوس^(۱۶) به غرب هند، کابرا^(۱۷) به برزیل، کابوت^(۱۸) به لابرادو^(۱۹) و سفر ماژلان^(۲۰) به دور دنیا موجب تحول عمیق علم جغرافیا و باورهای بطلمیوسی گردید. تقریباً از سال ۱۵۰۰ م کاربرد تجهیزات جدید و دقیق در آلمان، هلند و انگلستان مطالعه سرزمینهای وسیع را امکان پذیر نمود. مشهورترین دانشمند عرصه نقشه در اروپا پس از بطلمیوس فردی به نام جرارد مرکاتور^(۲۱) (۱۵۹۴-۱۵۱۲ م) اهل هلند می باشد. اطلس مرکاتور در سه قسمت در سالهای ۱۵۸۵ تا ۱۵۹۵ در آمستردام به چاپ رسید. علی رغم خدمات گسترده اسپانیا و پرتغال به علم جغرافیا در قرن ۱۵ و ۱۶ از دریانوردان آنها تنها یک قطعه دستنویس راهنماهای دریایی به جا

در اکثر نقشه‌هایی که جغرافیدانان مسلمان رسم کرده و یا براساس داده‌های آنها بعدها رسم شده دریای خزر به صورت دریاچه‌ای کروی یا بیضوی شکل در نظر گرفته شده است و اشتباه محاسباتی که در نقشه کلودیوس بطلمیوس دیده می‌شود در این نقشه‌ها نیز وجود دارد. ابوریحان بیرونی در «آثارالباقیه» اشاره نموده است که بطلمیوس این دریا را دریای بسته می‌داند و نقشه‌ای از دریای کاسپی تهیه نموده که پهنای آن از شرق به غرب دو برابر طول آن از شمال به جنوب است. حمدالله مستوفی نیز در ازای دریا را ۲۶۰ فرسنگ و پهنای آن را ۲۰۰ فرسنگ ذکر کرده است. (نگاه کنید به ضمایم سه و چهار) متأسفانه بارونق جغرافیا و نقشه‌کشی در اروپا شاهد افول این علم نزد مسلمانان می‌باشیم. ورود کتب و نقشه‌های نفیس چاپی از اروپا پاسخگوی نیازهای معمولی حکومتها و مراکز علمی بوده و رونق قرن هفتم تا چهاردهم میلادی این علم در بین مسلمانان تداوم نیافته است. کاتب چلبی معروف به حاجی خلیفه در کتاب «جهان‌نما» که در سال ۱۱۴۵ ق. نگاشته و در سال ... در قسطنطنیه به ترکی چاپ شده اولین نقشه‌های پیشرفته به سبک اروپاییها را رسم نموده که در مجموعه نقشه جهان، نقشه دریای خزر را رسم و گوشه‌هایی از آن راهم در سه نقشه آسیای مرکزی، قفقاز و ایران آورده است.^(۱۵) (نگاه کنید به ضمیمه شماره سیزده)

مانده است. ماهیت رقابتی سفرهای آنها موجب محرمانه نگاه داشتن راهنماهای دریایی آنها می شده است. (۲۳)

با توسعه علم جغرافیا و تجهیزات نقشه برداری و نقشه کشی و توسعه نقشه جهان در این دوران و افزایش سفرهای دریایی روزبه روز شکل سواحل و خشکیهای جهان بر روی نقشه ها با جزئیات اصلاح و نقشه ها به واقعیت نزدیک می شد اما با کمال تعجب شکل دریای خزر در نقشه ها در این برهه از زمان کماکان در پیروی از نقشه جهان بطلمیوس و نقشه های بعدی جغرافی دانان مسلمان به صورت بیضی باقی می ماند. (نگاه کنید به ضمیمه چهار و پنج) علت اصلی این امر را می توان در این واقعیت دانست که چون اتکای تحول نقشه در این دوره به راهنماهای دریایی دریانوردان بوده و این سفرها و راهنماها شامل مسیرهای آبهای آزاد می شده و دریانوردی در آبهای خزر در این دوره هنوز از سوی دریانوردان انجام نمی گرفته و بیشتر ملاحان محلی در این

دریا رفت و آمد داشته اند، لذا تحول نقشه دریای خزر متناسب با تحول نقشه جهان نبوده است. دلیل دیگری که در این مورد می توان مطرح کرد این است که مسافرت های رایج در حوزه دریای خزر معمولاً در سواحل جنوبی و جنوب غربی بوده که شهرهای مسکون و آباد را

در برمی گرفته و از امنیت نسبی برخوردار بوده است. تجارت ابریشم به عنوان مهمترین عرصه تجارت در عصر صفویه در این راستا نقش مهمی

ایفا کرده است زیرا مراکز پرورش کرم ابریشم و تولید آن در سواحل ایرانی دریای خزر در مازندران، گیلان و شیروان مستقر بوده و با توجه به انحصار این تجارت در دست پادشاهان و همچنین استقرار پادشاهان در بخشی از سال در این نواحی، رفت و آمد تجار خارجی و فرستادگان به این منطقه افزایش یافته که این امر به توسعه اطلاعات پیرامون جغرافیای خزر انجامیده است. پطراپراطور روسیه در سال ۱۷۱۱ نماینده ای را با هدف انعقاد قرارداد تجاری با شاه سلطان حسین و کسب اطلاعات کافی در مورد شهرهای ساحلی دریای خزر روانه ایران نموده است. نماینده فرانسه در تغلیس در یادداشت های روزانه اش که در بایگانی وزارت امور خارجه فرانسه ضبط است در پرونده ایران جلد پنجم صفحه ۳۱۴ می نویسد «نماینده فوق العاده ای (از روسیه) به قزوین رسیده و مقصودش بستن قرارداد تجاری است. موارد مهم این قرارداد حمل انواع مختلف مال التجاره ایران به خصوص ابریشم از راه روسیه می باشد.» (۲۳)

روی هم رفته روند تکامل نقشه های خزر در فاصله قرن ۱۷ تا ۱۹ م منظم و تابع زمان است تا آنجا که از روی شکل دریای خزر در نقشه های این دوره می توان به تاریخ تقریبی ترسیم نقشه پی برد. (نگاه کنید به ضمیمه پنج تا یازده)

روس ها و نقشه های دریای خزر

از قرن دهم میلادی حضور دسته هایی از راهزنان

که از طریق ولگا وارد دریای خزر می شدند در برخی منابع ثبت شده است. اما صرفاً پس از شکست تاتارها و سلطه روسیه بر قازان (۱۵۵۲ م) و آستارخان (۱۵۵۶ م) در دوره ایوان مخوف، و توسعه روسیه به سمت سواحل شمالی دریای خزر، کشتیرانی روسیه در دریای خزر آغاز می گردد. در این مرحله آنها در زمینه نقشه کشی از اروپاییها به ویژه آلمانها تأثیر می پذیرفته اند.

قرن ۱۸ م. با توجه به سیاست توسعه طلبی پطر و رقابت در روابط بین الملل مهمترین دوره مطالعات دریانوردی، نقشه برداری و جغرافیایی دریای خزر به حساب می رود. از آغاز قرن ۱۸ م روسها در زمینه نقشه برداری، نقشه کشی و مطالعات جغرافیایی دریای خزر پیشرفت چشمگیری نموده اند. اولین اقدام برای نقشه برداری دریای خزر براساس فرمان پطر اول به شل تروپ دانمارکی در سال ۱۷۰۰ م صورت گرفت که با مرگ شل تروپ بی نتیجه ماند. (۲۴) در سال ۱۷۰۱ در مسکو اولین مدرسه علوم دریایی تأسیس گردید. در همین سال سیمون رمه زوف اولین اطلس جغرافیایی روسیه شامل ۲۳ نقشه را تدوین نمود. نقشه دریای خزر که درازای آن از شمال به جنوب بود در این اطلس گنجانده شده بود. (۲۵) یره می مایر کاپیتان آلمانی که در استخدام ارتش روسیه بود در سال ۱۶۹۹ به خزر اعزام شد وی پس از ۵ سال تلاش نقشه ای از دریای خزر تهیه نمود. (۲۶) در نتیجه گشت تحقیقاتی آ. بگوویچ و چرکاسف در سال ۱۷۱۵ آکساندر چرکاسف اولین نقشه

نسبتاً دقیق از سواحل شرقی خزر به طرف جنوب تا خلیج استرآباد را تهیه نمود. (۲۷) روسها براساس این مطالعات در راستای اهداف سیاست خارجی پطر در سه منطقه از سواحل شرقی دریای خزر استحکاماتی ایجاد نمودند. از آنجا که در سال ۱۷۰۰ م ده لیل دانشمند فرانسوی نقشه ای از دریای خزر با همان اشکالات رایج را در پاریس به چاپ رسانده بود، در سال ۱۷۱۷ م پطر اول در سفر به فرانسه با ده لیل ملاقات و او را متقاعد نمود که آمو دریا به خزر نمی ریزد. پطر نقشه بگوویچ-چرکاسف را به ده لیل نشان داد که در آن خلیج بزرگی در ساحل شرقی خزر رسم شده بود که بعدها قره بغاز نام گرفت (۲۸). این ملاقات حاکی از توجه جدی و عمیق پطر به جغرافیای خزر دارد. در دوره پترگشتهای تحقیقاتی متعددی در دریای خزر سازماندهی شد که براساس آنها نقشه های جدیدتری از خزر تهیه و انتشار یافت. پطر در سال ۱۷۲۱ م نسخه ای از نقشه دریای خزر تهیه شده توسط ک. پ. وان وردن و سایمونوف را به پاریس فرستاد. (۲۹) او بعدها به عضویت افتخاری آکادمی علوم فرانسه درآمد. (۳۰) ده لیل در سال ۱۷۲۳ م نقشه جدیدی از خزر را که کپی نقشه سایمونوف بود منتشر نمود. (نگاه کنید به آخرین ضمیمه). وان وردن در سال ۱۷۲۶ م در آستاراخان نقشه ای از دریای خزر را با هدف ترسیم مناطق جدید تکمیل نمود. دو سال بعد یوهان گوستاوهربر نقشه استانهای حاشیه خزر را همراه با شرح آنها تهیه نمود. در سال ۱۷۳۱ م

مشاهدات، نقشه برداری و اندازه گیریهای دریادار ایواشینتسوف در سال ۱۸۵۸ م و کاپیتان پوشین در سالهای ۴-۱۸۷۱ م ترسیم شده بود، انتشار یافت.^(۳۷) بدین ترتیب نقشه کشی دریای خزر سیر تکاملی خود را طی نمود.

ایران و نقشه های دریای خزر

ایرانیان قدیمیترین ساکنان بخش عمده ای از سواحل دریای خزر در طول تاریخ بوده اند. در منابع دینی و علمی تاریخی آنها از این دریا یاد شده است. از آنجا که مقر اصلی دین زرتشت سواحل جنوب و جنوب شرقی خزر بوده است.^(۳۸) لذا این دریا مورد توجه زرتشت بوده و در اوستا از آن تحت عنوان «ووروکاشا»^(۳۹) نام برده شده است. به علاوه توجه ایرانیها به دریای خزر به ویژه به سواحل غربی آن که همواره در معرض تهاجم بیگانگان بوده، با ساختمان سد دربند در عهد یزدگرد دوم پادشاه ایران در سالهای ۴۷۵-۴۳۸ م و یا در عهد انوشیروان ثبت شده است. در آثاری که از این بنای مستحکم بر جای مانده بخشی وجود دارد که نشان از پیش بینیهای لازم برای جلوگیری از نفوذ به بندر دربند و استحکامات آن از طریق دریا می باشد، بدین ترتیب که دو دیوار اصلی شمالی و جنوبی قلعه دربند در ادامه وارد آب دریا می شده، به پیش می رفته و در انتهای آن زنجیرهای آهنین برای جلوگیری از رسیدن کشتیها به قلعه دربند بین دو دیوار بسته می شده است. به گفته بارتولد میزان پیش روی دیواره ها

سایمونف در نتیجه گشت تحقیقاتی خود اطلسی را شامل ۸ نقشه در مورد دریای خزر منتشر نمود.^(۴۱) در سال ۱۷۳۶ م نقشه کلنل هربر در مورد حاشیه دریای خزر توسط آکادمی علوم روسیه به چاپ رسید. اولین اطلس جغرافیایی علمی روسیه که از سوی شعبه جغرافیایی آکادمی علوم روسیه تهیه شده بود در بخشی که به ترسیم وضعیت مناطق بین دریای خزر و دریای سیاه پرداخته بود نقشه خزر را ارائه نمود. به علاوه وودروف که خود نقشه ای از خزر را تهیه کرده بود تهیه نقشه جامع خزر را پیشنهاد کرد.^(۴۲) در سال ۱۷۶۰ م آدمیرال ناگایف از روی نقشه های سایمونف، وودروف و دیگران نقشه جدیدی از دریای خزر را تهیه نمود. شتورمان در سال ۱۷۶۲ م سواحل جنوبی دریای خزر را نقشه برداری کرد. دو سال بعد براساس گزارشات گشتهای تحقیقاتی توکماچف و پانین، کاپیتان ناگاتکین نقشه کلی خزر را تهیه نمود.^(۴۳) نقشه ناگاتکین در سال ۱۷۹۳ م منتشر شد. در سال ۱۸۰۰ م کوتوزوف نقشه ای از خزر را تهیه کرد که در سال ۱۸۰۷ م به چاپ رسید.^(۴۴) در سال ۱۸۰۹ م کارل گابلیتس نتایج گشت تحقیقاتی م.ی. وینوویچ را به همراه نقشه دریای خزر به چاپ رسانید.^(۴۵) از سال ۱۸۰۹ م تا ۱۸۱۷ م کالودکین به گشت تحقیقاتی بر روی دریای خزر و سواحل آن پرداخت. در سال ۱۸۲۶ م اطلس دریای خزر شامل ۱۷ نقشه که توسط نامبرده تهیه شده بود منتشر گردید.^(۴۶) در سال ۱۸۷۸ م نقشه عمومی دریای خزر که براساس

در آب دریای خزر «اندکی بیش از ۳۰۰ متر تخمین زده می‌شود»^(۴۰) این امر از یک طرف شاهدی بر وجود بندر و دریانوردی در خزر و از طرف دیگر نشان توجه ایرانیها به اوضاع دریا در شمالی‌ترین نقطه مرزی‌شان بوده است.

نقش دانشمندان ایرانی در توسعه نظریات جغرافیایی پس از ظهور اسلام به صورت بارز ثبت شده است. که در بررسی دریای خزر در نقشه‌های جغرافیدانان مسلمان به اختصار بدان پرداخته شد. اگر چه هنوز در زمینه «دریای خزر در آثار دانشمندان ایرانی» کار تحقیقاتی صورت نگرفته است.

دول استعمارگر در چهارچوب سیاستهای توسعه‌طلبی به تهیه نقشه‌های ایران و جهان همت می‌گمارده‌اند همان‌گونه که اشاره شد هم‌زمان با رونق جغرافیا و نقشه‌کشی در اروپا و ورود کتب و نقشه‌های نفیس چاپی از اروپا و بعدها روسیه شاهد افول این علم نزد مسلمانان از جمله ایرانیان می‌باشیم. با این وجود در کشور ما نیز توجه به نقشه با اقتدار ایران و علاقه سیاحان و یاسرداران ایرانی به دریانوردی پیوند ناگسستنی داشته است. در سال ۱۵۵۷ میلادی آنتونی جنکینسون^(۴۱) از طریق روسیه به بخارا سفر نمود و از طریق قازان و ولگا در سال ۱۵۶۰ به کشورش بازگشت. براساس گزارش وی نقشه‌ای از آسیای مرکزی با توجه به سواحل شرقی دریای خزر تهیه گردیده است.^(۴۲) جنکینسون در سفر دوم خود در سال ۱۵۶۱ م با نامه‌ای از ملکه الیزابت برای شاه طهماسب

راهی ایران شد. الیزابت در این نامه پادشاه ایران را به صفات متعدد از جمله امپراطور همه انسانها و ملتهای ساکن بین دریای خزر و خلیج فارس نامیده است.^(۴۳) کریستوفر بروف از سال ۱۵۷۹ تا ۱۵۸۱ با کشتی که در نیژنی نوگورد در ساحل ولگا ساخته بود به باکو سفر و کالا حمل نمود. کشتی او در نیاز آباد با صخره‌ای تصادم نمود و او کشتی دیگری خرید تا ابریشم خریداری شده خود را به کشورش حمل کند.^(۴۴) انگلیسها در قرن ۱۷ م زمینه مساعدی برای تجارت با روسیه به ویژه با استفاده از کشتیهای فعال در رود ولگا کسب نمودند و از این حضور برای گسترش تجارت ابریشم و پشم با ایران (گیلان، استرآباد، شیروان و بخارا) از طریق دریای خزر بهره جستند. نادرشاه افشار در سال ۱۱۵۸ ق (۱۷۴۵ م) تصمیم به کشتی‌سازی و سازماندهی قدرت دریایی در دریای خزر گرفت.^(۴۵) جرج ن. کرزن در جلد دوم کتاب «ایران و قضیه ایران» در ذکر شواهد بارز خلافت نادرشاه می‌نویسد: «... درصدد برآمد که برای ایران جایگاه رفیع دریایی کسب نماید. تا سلطه این کشور را بر سواحل شمالی دریای خزر و سواحل جنوبی خلیج فارس برقرار نماید. کاپیتان جان التون^(۴۶) که نماینده «شرکت تجاری بریتانیا و روسیه در سنت پترزبورگ» بود و از سال ۱۱۵۱ ق (۱۷۳۸ م) ساکن ایران شده بود به استخدام نادرشاه در آمد.» التون در یادداشت‌های مسافرت‌هایش به ایران مفصلاً در مورد مذاکراتش با نمایندگان نادرشاه و پسرش

رضاقلی میرزا نوشت قید کرد که «شرکت انگلیسی می‌تواند در خزر کشتیرانی کند و در همه زمانها بدون وقفه کالاهای تجاری را به بنادر این دریا حمل نماید.»^(۴۷) التون در جولای

۱۷۴۰م درخاتمه سفراولش به ایران در گزارشی به وزیر مختار انگلیس در پترزبورگ با اشاره به مراکز غنی ابریشم ایران نوشت: «پایتخت امپراطوری ایران به نزدیکی دریای خزر منتقل شده است. مشهد در نزدیکی استرآباد واقع شده که بدون شک شرایط بسیار مساعدی برای تجار ماست.»^(۴۸) التون سپس راهکار موفقیت بریتانیا در این تجارت را ساختن یک یا دو کشتی حدود ۱۸۰ تنی برای کشتیرانی در دریای

جمع‌بندی
هنگام مطالعه تاریخی دریای خزر نقشه‌ها از اسناد قدیمی معتبری هستند که اطلاعاتی را در مورد این پهنه آبی بسته در خود دارند. شکل دریای خزر از سه هزار سال پیش تا قرن هفدهم میلادی در نقشه‌ها تحت تأثیر آبادانی سواحل جنوبی آن در قلمرو ایران، بیضوی و یا کروی شکل رسم می‌شده به این معنی که با توجه به کثرت شهرهای آباد ساحل این دریا در قلمرو ایران و سهولت نسبی سفر در این سرزمینها پهنای غربی - شرقی دریا بیشتر و یا مساوی درازای شمالی - جنوبی آن محاسبه و رسم شده است. از اوایل قرن هفدهم تحت تأثیر سفرهایی که اروپاییها از جمله در راستای تجارت ابریشم به نواحی شمالی ایران نموده‌اند دانش نسبت به جغرافیای دریای خزر افزایش یافت و شکل

خزر در کارخانه‌های کشتی‌سازی قازان اعلام می‌کند.^(۴۹) بدین ترتیب در سال ۱۷۴۰ م در حالی که التون در استخدام نادرشاه بود اولین کشتی را جهت حمل و نقل کالا از جمله برنج بین لنگرود و دربند به کار می‌اندازد. نادرشاه در ژوئن ۱۷۴۳ طی فرمانی التون را مأمور بررسی مناطق جنوب شرقی دریای خزر نمود.^(۵۰) کشتی مأمور این عملیات تحت فرماندهی توماس وودرف^(۵۱) بوده است. او نیز همانند التون یادداشت‌های فعالیتش در دریای خزر را ثبت کرده است. در ژانویه ۱۷۵۳ م براساس مصوبه پارلمان بریتانیا براساس مشاهدات و یادداشت‌های کاپیتان التون و کاپیتان وودروف در دوره خدمت به نادرشاه نقشه‌ای توسط گیسون از دریای خزر ترسیم شد. این نقشه در همان سال در کتابی با عنوان «گزارش تاریخی شرکت



ضمیمه : نقشه دریای خزر مربوط به ف.ای. سایمونوف

دریای خزر در نقشه‌ها به مرور زمان به شکل واقعی آن نزدیک شد. این تکامل درباره سواحل غربی خزر با سرعت بیشتری اعمال گردیده است. از آغاز قرن ۱۸ هم زمان با سیاست توسعه طلبانه روسیه تزاری، شکل سواحل شرقی دریای خزر در نقشه‌ها تکمیل و نقشه‌ها دقیق تر شدند.

پانویسها

۱۴- همان ص ۳۷
 ۱۵- جهان نمای کاتب چلبی، کاتب چلبی، قسطنطنیه،
 نسخه آرشیو کتب خطی وزارت امور خارجه

16- Colombus

17- Cabral

18- Cabot

19- Labrado

20- Magellan

21- Gerard Mercator

۲۲- خزر در طی سه قرن، سلسله تحولات در قرون ۱۸ الی ۲۰
 میلادی، ایگور س. زون، کمیته ملی روسیه برای برنامه محیط
 زیست سازمان ملل متحد، چاپ دوم، مسکو (۲۰۰۱) (به زبان
 روسی) ص ۶

۲۳- تاریخ روابط ایران و روسیه در نیمه اول قرن نوزدهم،
 دکتر احمد تاجبخش، چاپخانه شفق تبریز، ۱۳۳۷

۲۴- خزر در طی سه قرن (به زبان روسی)، ص ۱۴

۲۵- همان، ص ۲۹

۲۶- همان، ص ۲۹

۲۷- همان، ص ۳۱

۲۸- همان، ص ۳۱-۳۲

۲۹- همان، ص ۳۲

۳۰- همان، ص ۳۲

۳۱- همان، ص ۳۴

۳۲- همان، ص ۳۵

۳۳- همان، ص ۳۸

۳۴- همان، ص ۴۲

۳۵- همان، ص ۴۲

۳۶- همان، ص ۴۴

۳۷- همان، ص ۵۴

38- ZORASTER, the prophet of ancient
 Iran, A.V.W. Jakson. the Macmilan
 company, London, 1899, p. 219.

39- Vourukasha

۴۰- جایگاه مناطق اطراف دریای خزر در تاریخ جهان اسلام،
 ص ۲۵

41- Anthony Jenkinson

42- An historical account of the British
 trade over the Caspian sea, vol 1, Jonas
 Hanway, Landon, 1753, p. 5.

43- Ibid, p. 6.

44- Ibid, p. 8.

45- Ibid, p. 161.

46- John Elton

47- Ibid, p. 27.

48- An historical account, p. 35.

49- Ibid, p. 41.

50- Ibid, p. 70.

51- Thomas Woodrooffe

52- M.Jonas Hanway

۱- برای پهنه آبی شمال ایران در طول تاریخ بیش از چهل نام
 ثبت شده است. به نظر می رسد کثرت این نامها مربوط به
 نامگذاری محلی دریا براساس نام اقوام ساحل نشین،
 شهرهای مهم و یا سرزمین متصل به دریا بوده است. چه بسا
 که در یک زمان این دریا را ساکنان شهرهای مختلف ساحل
 آن به اسامی مختلف می نامیده اند که در برخی از نقشه های
 موجود نیز هم زمان چند نام برای آن ثبت شده است. مثلاً در
 برخی از نقشه های رسم شده در دوره قاجاریه این دریا را
 دریای خزر (خضر) یا مازندران یا حاجی طرخان ثبت
 کرده اند. به اعتقاد نگارنده این دریا می تواند در کناره های
 مختلف (در پنج کشور ساحلی) نزد اهالی بومی نامی محلی
 مانند خزر، مازندران و... داشته باشد که حتی در سطح ملی نیز
 مورد استفاده قرار گیرد لیکن در روابط بین الملل این پهنه آبی
 نیازمند نامی مشترک است که در حال حاضر «کاسپی»
 می باشد. رؤسای چهار کشور همسایه ایران در دریای خزر
 هنگامی که به زبان روسی مذاکره می کنند مشترکاً از این نام
 استفاده می کنند. به علاوه در اکثر زبانهای خارجی نیز به این
 دریا دریای کاسپی گفته می شود. از آنجا که در این مقاله بحث
 نامهای دریا مدنظر نیست و به جایگاه این دریا در نقشه های
 تاریخی پرداخته می شود لذا نگارنده از نام «دریای خزر»
 استفاده می نماید. هر چند در جاهایی به نقل از دیگر راویان
 اسامی گذشته هم به کار رفته است.

2- Antique Maps, Carl moreland & David
 Bannister, Phaidon Press Limited,
 Singapour, 1993, p. 3.

۳- یکی از این لوح های گلی نقشه ای از بابل را نشان می دهد
 که خلیج فارس آن را دربر گرفته و سلسه جبال البرز در بالای
 آن به صورت نیم دایره ای مشاهده می شود. این لوح در موزه
 بریتانیا نگهداری می شود. و تصویری از آن در کتاب اطلس
 نقشه های جغرافیایی و اسناد تاریخی خلیج فارس جلد دوم،
 عباس سحاب، کتاب سحاب، تهران، ۱۳۶۴ ص ۱۷ به چاپ
 رسیده است.

4- Strabo

5- Anaximander

6- Olbia

7- Hecataeus

۸- ر. ک. مجموعه اسناد تاریخی و نقشه های جغرافیایی خلیج
 فارس، جلد دوم، عباس سحاب، کتاب سحاب، تهران، ۱۳۶۴
 ۹- جایگاه مناطق اطراف دریای خزر در تاریخ جهان اسلام،
 واسیلی ولادیمیروویچ بارتولد، ترجمه لیل ربنشه، پژوهشگاه
 علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ۱۳۷۵ ص ۸

10- Klodious Ptolemy

11- Marinus of Tyre

12- Antique Maps, p. 3.

۱۳- مطالب این بخش تلخیص از کتاب «تاریخچه جغرافیا در
 تمدن اسلامی، مقبول احمد تشنر، ترجمه دکتر محمد حسن
 گنجی، بنیاد دائرة المعارف اسلامی، تهران، ۱۳۶۸» می باشد.